

آینده جهان و پدیده ای با نام فرزندآوری سالم

مهندسی ژنتیک برای اصلاح نژاد و تولید نسل توانمند و کاهش نسل ناقص

همانطور که آگاه هستیم، جهان در هر لحظه در حال پیمایش بسوی تکنولوژی های نوین است و ما هر روز با تکنولوژی جدیدی مواجه می باشیم. این تحول تکنولوژیک بیانگر آنست که جهان هرگز ایستا نمی باشد و هر روز با تحولات جدیدی روبرو هستیم. این تحول تکنولوژیک به صورتی است که هیچ حوزه زندگی از فرگشت و تحول درامان نمی باشد و دگرش در تمامی زمینه های زندگی امری اجتناب ناپذیر تلقی می شود.

به موازات زایش تکنولوژی های جدید در حوزه صنعت و دیگر علوم زندگی، مدت های مدید است که با علم پیوند اعضا اقدامات مفیدی در علم پزشکی رخ داده است. در همین راستا چند دهه است که تکنولوژی بازسازی و ترمیم بافت بدن از یاخته های بنیادی در نظام پزشکی جهان، تحولات شگرفی را در زیست بشری بشارت داده است.

اما علم بافت سازی اندام بدن تنها راهکرد ارمغانی در زمینه پزشکی مدرن نمی باشد. در راستای بازخورد این تکنولوژی نوین، افرادی بوده اند که با تفکر تغییر در نظام ژنومی و اصلاح ژن، برای خلق ابرانسان تلاش کرده اند. این راهکرد ضمن اینکه خطرناک است. بلکه می تواند در آینده زندگی بشری نتایج ویرانگری را به باد آورد. ابرانسان موضوعی و انسان سالم موضوعی دیگر است. دراصل باید ذهنیت جامعه پزشکی و علم ژنوم شناسی این باشد که با تغییر و اصلاح ژنتیکی و کروموزومی، انسان سالم داشته باشیم. انسانی که بیمار نباشد و مضراتی را برای جامعه بشری ایجاد نگرداند. چراکه انسان همیشه بیمار یا معلول، خودش نیز از حظ و کامیابی زندگی معمولی و خشنود بهره مند نبوده و انسانی با رنج دایمی شمرده می شود.

بنابراین بد نیست تا با علم نوین، انسان توانمند و عاری از بیماری های توارثی و هولناک داشته باشیم. ولی این علم نباید در راستای کاری عبث و انحرافی با مفهوم ابرانسان و انسانی فرای موجودیتی با نام انسان معمولی باشد. انسانی که تخریب گری بیشتری داشته باشد و بتواند صحنه زیست گیتی را بسوی ویرانی و نابودی هدایت نماید.

مهندسی ژنتیک: تغییر نژادی یا اصلاح نژادی

دغدغه وجود انسان توانمند با مفهوم ابرانسان یا انسان سالم و قوی، از دیرباز ذهن آدمی را مشغول و مغشوش نموده و بشر اقدامات متنوعی را در این راستا انجام داده است. اگر برخی برای تولید ابرانسان یا همان فرآ انسان کوشیده اند. ولی دیگرانی نیز بوده اند که نگاه نرم تری به این موضوع داشته و توجه به خلق انسان زیبا و سالم و همچنین هوشمند و قوی فکر داشته اند.

هیترلر رهبر حزب نازیسم آلمان در راستای شعار «ژرمن(آریانی) نژاد برتر» دست به مجموعه اقداماتی برای اصلاح نژاد در نسل انسانی آلمان زد. ازدواج با بیگانگان را بشدت سرکوب و افراد عقب مانده ذهنی را عقیم می نمود تا به وراثت نسل نرسند. او حتی با فرمانی مهم و سراسری دستور داد تا دختران و پسران زیبا و چشم آبی را از گرداگرد سرزمین آلمان جمع کنند تا با آمیزش آنان، نسل آتی آلمان زیبا و باهوش گردند. او به شدت معتقد به به نژادی و برتری نژاد آلمان داشت. او برآن بود که نژاد آریایی خالص در آلمان وجود دارد.

فرانسیس گالتون (Francis Galton) اندیشمند انگلیسی در قرن نوزدهم و بیستم مبدع تئوری به نژادی (Eugenics) بود. او به برتری نژادی و بهبودی تبار اعتقاد داشت و معتقد بود که نباید با کودن ها، جنایت کاران و دیوانگان ازدواج نمود. زیرا که هوش قابلیت فردی است و از راه توارث منتقل می شود. لذا باید نژادهای برتر و بهتر را تقویت نمود. بدین روی آزمون هوش برتر و مقوله انتخاب مصنوعی را به او منتسب می کنند که می خواسته به تئوری خویش، خاستگاه عملی بدهد.

جوسیا زاینر (Zayner Josiah) محقق آمریکایی ناسا فردی دیگری است که به نژاد برتر معتقد است. زاینر با دستکاری DNA خودش، تلاش کرد با حذف یک پروتئین که مانع رشد عضله در بازوی چپش می شد و از طریق تزریق ژن DIY قدرت خود را خارق(فوق العاده) نماید. این زیست - شیمی دان ادعا می کند ما «برده ژنوم هایمان هستیم» و باور دارم با گسترش مهندسی ژنتیک DIY نژاد جدیدی از «انسان مافوق یا ابرانسان» ایجاد خواهد شد.

و شاید بتوان گفت اندیشه زاینر اندکی فرق با هیترلر گالتون و دیگران از این قسم داشته است. او ادامه میدهد روزی را تصور میکنم که مردم به مکانهایی مانند سالن تتو بروند و به جای انجام تتو با ماهیت کنونی، با عامل ژن، رنگ مو و یا رنگ چشمشان خود را تغییر بدهند.

این نیاز و مطالبه انسان عصر جاری، متأسفانه با اتفاقات هولناک دیگری مواجه شده است. اگر دنیای مدرنیته سبب رویدادهای نیکی برای زدودن بیماری های مختلف و افزایش عمر آدمی گردید. ولی از طرف دیگر جامعه بشری شاهد رخدادهای ناگوار زیادی در حوزه زیست محیطی نیز بوده و آدمی در معرض بیماری های جدیدی قرار گرفته است. این عوارض ضمن اینکه پدیده اختصاصی عصر جاری هستند. ولی زاینده علم نوین و افراد مختلف با افکار مبهم نیز می باشند. با این وصف که اگر علم سبب توسعه انسانی و عمر آرامش بخش و طولانی شده، ولی از طرف دیگر سبب ضعف کالبدی آدمی نیز شده است. انسان پیشین برای بدست آوردن خوراک کوشش می کرد و زیاد راه می رفت. اما انسان مدرن کمترین حرکت را دارد و با آرامش و آسایشی وافر، همه گونه احتیاجات او چون خوراک و مسکن و . . . برآورده و به آسانی در اختیارش هستند.

در اصل افزایش طول عمر و آسایش زیستی سبب پیدایش بسیاری امراض نهفته در وجود آدمی شده و امروز با بیماری های جدیدی مواجه می باشیم. یعنی با پیامد راحت زیستی و ابزار آسایش در زندگی،

کالبد آدمی ضعیفتر از قبل گردیده و مصونیت پیشین نیز افول نموده است. لذا بدن انسان امروزی قابلیت دوران گذشته را نداشته و به آسانی بیمارپذیر شده است.

همین همه گیری کروناویروس در دوران کنونی برساختی از ضعف بدنی و تقویت بیماری های با تکنولوژی جدید است. اگر چین توانست ویروس کووید ۱۹ را براساس تفکری مریض و برای برخورداری از مزیت جنگ ویروسی تولید نماید. چه تضمینی وجود دارد که این آرزوی نادرست و زشت در آینده از ناحیه چین یا دیگر کشورها ادامه نیابد!!

بدین روی پندار سالم حکم می کند که بجای تولید ابرانسان با مفهوم «ما فوق انسان»، اندیشه شود تا «انسان ما فوق» داشته باشیم. منظور آنست که بجای تفکر تولید انسانی ابرقدرت برای برهم زدن زیست بشری، بستر زیست را آماده پالایش نژادی با مفهوم اصلاح ژنتیکی و تولید انسان سالم کنیم.

علم نوین چنین تکنولوژی را آماده نموده است. منتها باید اصلاح نژادی قاعده مند گردد و از انحراف رفتاری برای تولید نژاد برتر جلوگیری شود. چون منظور باید فقط این باشد که انسان سالم خلق گردد و بستر زیست از انسان های معلول پاک شود. این پدیده ضمن اینکه به نفع موجودیت نظام زیست است و جامعه بشری را از هزینه سازی بیهوده در آینده ها بازمی دارد. بلکه از تولید انسان دردمند که تا آخر عمر رنج و عذاب کشد، جلوگیری می کند.

بنابراین چه اشکالی دارد که جهان را برای پدیده هایی چون انسان زیبا، انسان سالم و انسان خوب مهیا نماییم. و مطمئنا این پدیده خوش یمن و فرخنده، بدون استیصال در توهم ایده یا خیالبافی، شدنی است.

احمد علینقی – پژوهشگر مدیریت اجتماعی

۱۳۹۹/۱۱/۰۴